

نقد و بررسی بایسته‌های محتوایی موجود گرایش «آشنایی با منابع اسلامی» با تکیه بر آموزه‌های دینی

ادریس عظیمی^۱ • دکتر حسن ملکی^۲ • دکتر حامد پوررستمی^۳

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، تعیین وضعیت مطلوب محتوای برنامه درسی «آشنایی با منابع اسلامی» براساس آموزه‌های دینی است. در این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای و با تحلیل محتوای متون دینی انجام شده است، ابتدا با مطالعه محتوا و سرفصلهای مربوط به این درس و تحلیل و تفسیر اطلاعات حاصل از آن، برنامه درسی «آشنایی با منابع اسلامی» بررسی و آسیب‌شناسی شده، سپس براساس قرآن و روایات، با تعیین اصول محتوایی به ارائه محتوای مطلوب پرداخته شده است. طی این پژوهش مشخص شد که نداشتن سرفصلهای مستقل، عدم محوریت متن دینی، محتوای آموزشی تحمیلی، همپوشانی محتوایی با دیگر گرایشهای دروس معارف اسلامی، فقدان سرفصلی برای آشنایی با منابع اسلامی، کم‌رنگ بودن آموزش روش فهم و رفتارسازی، جامع و مانع نبودن عناوین و عدم توجه به تلاوت آیات در برنامه درسی از کاستیهای این گرایش است. برای اصلاح این کاستیها، با بهره‌مندی از آموزه‌های دینی، اصلهای اعتبار، سودمندی، اهمیت، قابلیت یادگیری، علاقه، اندیشه - محوری، رفتارسازی و توالی و استمرار برای محتوای این گرایش تعیین شد. آنگاه با ابتدای بر این اصول، سرفصلهایی تعیین شدند که فصل اول طی دو درس برای آشنایی اجمالی با متون اسلامی و فصل دوم در دو بخش قرآن و عترت طبقه‌بندی شدند که با انتخاب متنهایی از قرآن و عترت با موضوعات متنوع، بعد از مرحله قرائت و ترجمه واژگان در هر درس، دو گام از گامهای فهم متن دینی (دوازده گام برای آیات قرآن و ده گام برای حدیث) ارائه می‌شود و در پایان هر درس بخش درنگ و رفتارسازی پیش‌بینی شده است.

کلیدواژگان: آشنایی با منابع اسلامی، تفسیر موضوعی قرآن، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، برنامه‌ریزی درسی، دروس معارف اسلامی

✓ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۳۱

✓ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۵

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.

۱. دانش‌آموخته دوره دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استاد گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: maleki@atu.ac.ir

۳. دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

گرایش «آشنایی با منابع اسلامی» یکی از پنج گرایش دروس عمومی معارف اسلامی است که گذراندن آن تحت دو عنوان «تفسیر موضوعی قرآن» و «تفسیر موضوعی نهج البلاغه» برای تمام دانشجویان دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته و دکتری حرفه‌ای الزامی است (روحانی، ۱۳۹۱: ۸). در تیر ماه ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی سرفصلهای دروس معارف اسلامی را تصویب کرد و معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی منابع ذیل را برای تدریس این دو درس به عموم دانشجویان معرفی کرد. تفسیر موضوعی قرآن کریم با نگارش جمعی از نویسندگان، تفسیر قرآن کریم (آیات برگزیده) با نگارش حجت‌الاسلام محسن قرائتی، تفسیر موضوعی قرآن کریم (برگرفته از تفسیر نمونه) با تدوین علیرضا کمالی، تفسیر موضوعی قرآن کریم با نگارش عبدالله موحدی محب برای درس تفسیر موضوعی قرآن کریم و دو اثر تفسیر موضوعی نهج البلاغه اثر مصطفی دلشاد تهرانی و علی رهبر اسلامی برای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه (علیمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). همچنین در سال ۱۴۰۰ کتاب تفسیر موضوعی قرآن کریم نوشته جمعی از نویسندگان با تحول کوتاه مدت دروس معارف اسلامی با تغییراتی ارائه شد.

اهمیت بحث پیرامون محتوای گرایش «آشنایی با منابع اسلامی» از آن جهت است که اولاً محتوای مناسب آن، اتقان و بالندگی واحد درسی را در پی خواهد داشت و در نتیجه آثار مثبتی را در جامعه عظیم مخاطب خود به جای خواهد گذاشت و ثانیاً با توجه به آموزه‌های دینی انتخاب محتوای مناسب از متون دینی موجبات پیروی از اهل بیت (ع) را در پی خواهد داشت^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۰۷)؛ همچنین ضرورت این پژوهش از آن جهت است که اولاً رغبت دانشجویان به این درس کمتر از سایر دروس معارف بوده (یوسفی لویه، ۱۳۸۶) و ثانیاً بنا به تعبیر مقام معظم رهبری درمورد این درس، بدون متن غنی، ذهنیت مثبت دانشجوی درمورد قرآن تغییر خواهد کرد (اکبری جدی، ۱۳۸۹: ۲۱۲).

در اینجا پرسش بسیار جدی این است که آیا برای گرایش «آشنایی با منابع اسلامی» دروس دیگری می‌توان در نظر گرفت؟ و اگر پاسخ مثبت است چه درس‌هایی باید تعریف شوند؟ و در صورت پاسخ مثبت یا پاسخ منفی، چه سرفصلها و محتواهایی را می‌توان برای این گرایش لحاظ کرد؟

شایان ذکر است که در پاسخ به بخشی از این پرسش، پژوهشی تحت عنوان «بایسته‌های متن درسی تفسیر موضوعی قرآن» (اکبری جدی، ۱۳۸۹) صورت پذیرفته است، اما همان‌طور که از عنوان آن پیداست این پژوهش با این پیش‌فرض انجام شده که درس تفسیر موضوعی قرآن یکی از دروس گرایش آشنایی با منابع اسلامی است، حال آنکه هدف پژوهش پیش رو یافتن محتوای مناسب برای گرایش «آشنایی با منابع اسلامی» است. برای این منظور ابتدا باید وضع موجود کاملاً تنقیح شود و مورد نقد

۱. لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا

قرار گیرد، سپس وضع مطلوب دروس ذیل این گرایش و سرفصلهای آن به صورت عینی تعیین شود. برای پژوهش حاضر این مهم مناسب دیده شد تا با مراجعه به خود متون دینی، برنامه و راهکار صحیح ارائه دروس مبتنی بر متن دینی به دست آید. از این رو با مراجعه به قرآن و کتب حدیثی شیعی این پژوهش انجام گرفت. لازمه چنین پژوهشی، آن است که کلیدواژگان مرتبط با نگارش متن کتاب، مبتنی بر متن دینی انتخاب شوند و سپس با لحاظ کردن شبکه معنایی این کلیدواژگان، متون مربوط از بطن قرآن و احادیث به دست آید. نرم افزار جامع التفاسیر و جامع الاحادیث می تواند مهم ترین ابزار برای این پژوهش باشد، سپس با تحلیل محتوای متون به دست آمده، اصول و برنامه مناسب با آن طبقه بندی شود. از آن جا که دو نرم افزار یاد شده را می توان جامع و مانع متون دینی دانست، لذا ابتدای بر آن روایی بودن منبع پژوهش را تضمین خواهد کرد و تعیین شبکه معنایی متناسب با این پژوهش، ضامن روایی بودن متون انتخاب شده خواهد بود، اما از آن جا که این پژوهش مبتنی بر متون دینی است همواره از پایایی برخوردار خواهد بود.

■ آسیبهای وضع موجود

پیش از آنکه به وضع مطلوب بپردازیم، ابتدا باید به آسیبهای وضع موجود بپردازیم. در ذیل به برخی از کاستیها و انتقاداتی اشاره می شود که درمورد وضعیت فعلی محتوا و سرفصلهای گرایش «آشنایی با منابع اسلامی» وارد است.

● از سال ۱۳۸۳ تاکنون هیچ گونه بازنگری در عناوین و سرفصلهای این درس صورت نپذیرفته است که این امر از پویایی این درس کاسته است، هرچند در سال ۱۴۰۰ تغییراتی در محتوای برخی از متون مربوط به درس «تفسیر موضوعی قرآن» انجام شده، اما هیچگاه بازنگری درمورد سرفصلهای دروس این گرایش رخ نداده است.

● با نگاه به اهداف و سرفصلهای عنوان شده برای این گرایش (روحانی، ۱۳۹۱: ۹۰-۹۴) متوجه می شویم که هدف این گرایش تنها در اهداف شناختی محدود شده و از اهداف عاطفی و رفتاری که مورد تأکید بسیاری از آموزه های دینی در امر تربیت است، غفلت شده و حتی در حیطه اهداف شناختی به دو طبقه دانش و درک و فهم بسنده شده و در نتیجه حتی در صورت به جا آوردن تمام هدف پیش گفته، خروجی این کلاس، دانشجویی با یک سری اطلاعات خام باشد، که نه تنها توانایی به کارگیری آن را در رفتار ندارد، بلکه توانایی تجزیه و تحلیل آن و ارائه نظر منطبق با این اطلاعات را نیز ندارد و این امر منافی پرورش تفکر در دانشجو و آموزش مهارت تفسیر است. این در حالی است که در هشت بند از اهداف مطلوب گروههای معارف اسلامی بر حیطه های مغفول اهداف آموزشی تأکید شده و در اولویت دیده شده است (خوشی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

- «محتوای آموزشی تحمیلی هرچند دارای حسن انطباق با برنامه است ولی سبب نادیدن تفاوت‌های واقعی جریان آموزش شده و ابتکار عمل را از دست آموزشگر می‌گیرد و او را از سطح یک «مجتهد تربیتی» دارای آزادی عمل به سطح یک «مجری متعهد» محدود شده به فرامین، پایین می‌کشد» (موسی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۰۱)؛ حال آنکه حتی در نظام تربیتی اهل‌بیت (ع)، شاهد این نوع تحمیل نیستیم. همان‌طور که امام‌رضا (ع) می‌فرماید: «عَلَيْنَا إِلْقَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيْنَا التَّفَرُّعِ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۶۲)؛ البته این مطلب به این معنا نیست که هیچ متن آموزشی برای این درس نوشته نشود، بلکه می‌توان متون آموزشی چابک با یک‌سری سرفصلها یا متون دینی تنظیم کرد و در اختیار آموزشگر قرار داد تا استاد با فعالیت پژوهشی خویش درصدد پیاده‌کردن این عناوین در کلاس باشد.
- با وجود آنکه عنوان این گرایش «آشنایی با منابع اسلامی» است، ولی در جهت آشنایی با تراث گرانبهای شیعی، هیچ سرفصلی عنوان نشده است و همین امر در ناخودآگاه مخاطب این چنین القا می‌کند که به غنایی از آشنایی با این تراث رسیده است؛ حال آنکه در این درس صرفاً با یک منبع از منابع اسلامی همراه هستیم؛
- بسندگی به دو منبع قرآن و نهج‌البلاغه از ابهاماتی است که برای هر مدرس «آشنایی با منابع اسلامی» وجود دارد، چراکه جای خالی دیگر متون دینی همچون صحیفه سجاده‌ای در این عناوین بسیار مشهود است.
- اگر دروس معارف اسلامی را به مثابه یک بسته آموزشی در نظر بگیریم که هر گرایش از این بسته، عهده‌دار بخشی از معارف اسلامی است، در این صورت شاهد همپوشانی گسترده‌ای میان سرفصلهای میان گرایشهای دیگر با گرایش «آشنایی با منابع اسلامی» هستیم.
- تلاوت قرآن که مورد تأکید آموزه‌های دینی واقع شده است، هیچ رنگی در برنامه این درس ندارد.

■ تعیین وضع مطلوب

برای محتوای مطلوب لازم است که هدفهای برنامه درسی این گرایش مشخص شوند و نخستین گام برای تحقق‌پذیری هدف، انتخاب محتوای آموزشی مناسب و مطلوب است. چون هدفها با محتوا تأمین می‌شوند توجه به انتخاب محتوا همیشه به عنوان یک عنصر مهم برنامه درسی در نظر بوده است (ملکی، ۱۳۸۴: ۵۴). با مراجعه به اسناد برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی ملاحظه می‌شود که برای این گرایش، هدفی بیان نشده و تنها برای دروس ذیل آن، دو هدف به صورت کلی بیان شده است که نمی‌تواند هدف برای این گرایش باشد. از این روی باید ابتدا اهداف آموزشی این گرایش تدوین شود. با تأملی در آموزه‌های دینی می‌توان به این نتیجه رسید که هدف شاخصی که برای کتاب آسمانی

قرآن ترسیم شده، هدف «هدایت» است و این هدف از رهگذر «ایمان» می‌گذرد^۱، در روایات نیز به این مهم بدین‌گونه اشاره شده که اساساً فردی که قلبش با ایمان مورد امتحان قرار نگرفته است، توان دریافت این آموزه‌ها را نخواهد داشت^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۰۱) از این روی برای تحقق‌پذیری هدف هدایت‌کنندگی قرآن در کلاس درس آشنایی با منابع اسلامی، باید عنصر «ایمان» تقویت شود. نکته‌ای که در مورد هدف ایمانی باید در نظر گرفت، این است که در بافت آموزه‌های دینی، هدفی که از آموزش متن دینی ترسیم می‌شود، حالت گسسته از هم ندارد و سه‌حیطه شناختی، رفتاری و عاطفی با یکدیگر در تعامل‌اند که روایت نبوی «الْإِيمَانُ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶: ۴۰) گویای ابعاد سه‌گانه ایمان است و درهم‌تنیدگی این سه‌حیطه را نشان می‌دهد و این موضوع همواره دغدغه برنامه‌ریزان درسی بوده و گفته شده اساساً تفکیک و طبقه‌بندی اهداف در سه‌حیطه به‌دلیل تأکید بر جنبه‌های خاص آنهاست و نه متمایز کردن آنها به‌صورت طبقات کاملاً مجزا و نامربوط (شعبانی، ۱۳۸۲: ۶۳).

هدایت

بهره‌مندی از قرآن

ایمان

با این مقدمه، حال باید پس از تعیین اصول محتوایی، برنامه عملیاتی و نمونه عینی، محتوای مطلوب با تکیه بر آموزه‌های دینی موجود ارائه گردد.

■ اصول محتوایی

محتوا، وسیله‌ای برای تحقق یافتن اهداف است. اگر اهداف دینی باشند، وسیله نیز باید دینی باشد. اهداف تربیتی دینی اگر به درستی تعیین شود، دلالت‌هایی ریشه‌ای خواهند بود و در نتیجه، حرکت به‌سوی آنها، حرکت به‌سوی ریشه‌ها و اصالتها خواهد بود. برای این منظور قرآن و سیره اهل‌بیت (ع) را می‌توان مبنایی مناسب و محوری مطمئن دانست (ملکی، ۱۳۹۵: ۷۰-۷۳). عناوین ذیل را می‌توان اصول برآمده از متن دین برای محتوای درسی دانست:

◎ اصل اعتبار

در آموزه‌های دینی تأکید بسیاری بر اعتبارسنجی سخن شده است. از آن جمله می‌توان به آیه ۶ سورة حجرات^۳ اشاره کرد که در آن از مؤمنان می‌خواهد نسبت به منبع دانش دقت به خرج دهند تا به پیشیمانی بر اثر رفتار جاهلانه مبتلا نشوند. آموزه‌های دینی در کنار اعتبار و وثاقت مؤلف و راوی،

۱. بقره/۹۷: هُدًى وَ بُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ

۲. رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّ حَدِيثَ آلِ مُحَمَّدٍ ضَبٌّ مُسْتَضَعَبٌ لَا يُؤْمَنُ بِهِ إِلَّا ... عَبْدُ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بَنِيًّا فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ

در مورد اعتبار خود مطلب هم تأکید داشته‌اند که می‌توان به روایتی از امام باقر (ع) که ذیل آیه شریفه «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس/۲۴) آمده، اشاره کرد، که می‌فرماید مراد از طعام، دانشی است که فرد از دیگری اخذ می‌کند (برقی، ۱۳۷۱: ۲۲۰) بدین معنا که فرد باید نسبت به اعتبار دانش دقت به خرج دهد.

از این رو فقهای شیعی در کتب اصولی خود به روایاتی تحت عنوان اخبار علاجیه پرداخته‌اند که در آن راهکارهای حل تعارض روایات را ذکر کرده‌اند (حائری یزدی، ۱۴۱۸: ۶۳۷) که این روایات نشان از اهتمام اهل بیت (ع) به اعتبار متن دینی دارد.

● اصل سودمندی

محتوا باید طوری باشد که یادگیری آن منافعی برای مخاطب داشته باشد. در سیره اهل بیت (ع) شاهد عتابیهایی نسبت به پرسش‌کننده‌ایم که طی آن فرموده‌اند تنها از چیزهایی پرسید که شما را سود بخشند^۱ (ثقفی، ۱۴۱۰: ۱۰۳)؛ البته اهل بیت (ع) به این مقدار اکتفا نکرده و توصیه کرده‌اند که حتی از میان امور سودمند، محتواهایی ارائه شوند که مناسب شرایط و احوال مخاطباند که در غیر این صورت جز رنج چیزی در پی نخواهد داشت^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷۹).

با دقت در کلمات اهل بیت (ع)، مصادیق دانش سودمند را می‌توان در دو چیز دانست:

- دانشی که خود را در رفتار نشان دهد^۳ (منسوب به امام صادق (ع)، ۱۴۰۰: ۱۴)؛
- دانشی که نشر داده شود^۴ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۷۰).

● اصل اهمیت

آموزه‌های دین رویکردی را پیش روی ما می‌گذارند مبنی بر اینکه محتوای انتخاب شده باید از درجه بالای اهمیت برخوردار باشد و اینکه تا یک مورد مهم‌تر در آموزش محقق نشده است، نباید به پله بعدی رفت؛ همچنان که وقتی بادیه‌نشینی از پیامبر (ص) می‌خواهد تا شگفتیهای دانش را به او آموزش دهد، حضرت می‌فرماید «با بنیان و اساس دانش چه کرده‌ای که حال در پی شگفتیهای آن هستی؟»^۵ (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ۲۸۴). این فرمایش حضرت حامل دو پیام است: اول آنکه در آموزش باید رعایت اصل الاهی‌فالا هم شود و ثانیاً اینکه صرفاً به دانستن مطالب قبلی اکتفا نشود و باید این آموزش به کار آید، آنگاه سراغ مراتب بالا برویم.

۱. سَلْ تَفْقَهَا وَلَا تَسْأَلْ تَعْنَتَا

۲. لَا تَكَلِّمْ بِمَا لَا يَغْنِيكَ وَدَعْ كَثِيرًا مِنَ الْكَلَامِ فِيمَا يَغْنِيكَ حَتَّى تَجِدَ لَهُ مَوْضِعًا فَرُبَّ مُتَكَلِّمٍ بِالْحَقِّ بِمَا يَغْنِيهِ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ فَتَعِبَ

۳. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَنْفَعُ مَنْ عِلْمُهُ لَا يَنْفَعُ وَهُوَ الْعِلْمُ الَّذِي يُضَادُّ الْعَمَلَ بِالْإِخْلَاصِ وَاعْلَمْ أَنَّ قَلِيلَ الْعِلْمِ يَخْتِاجُ إِلَى كَثِيرِ الْعَمَلِ

۴. أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَلَا يَنْتَفَعُ بِعِلْمٍ حِينَ لَا يُقَالُ بِهِ

۵. جَاءَ أَغْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي مِنْ غَرَائِبِ الْعِلْمِ قَالَ مَا صَنَعْتَ فِي رَأْسِ الْعِلْمِ حَتَّى تَسْأَلَ عَنْ غَرَائِبِهِ؟

اما درمورد اینکه چه دانشی باید در اولویت قرار گیرد، نیز اهل بیت (ع) مصداقی تعیین کرده‌اند که در نامه امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع) می‌خوانیم «در آغاز تربیت، تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات، به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام، به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم»^۱ (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۳۹۴). در این بیان به خوبی روشن می‌شود که در آموزش، اولویت با قرآن است.

◎ اصل قابلیت یادگیری

سابقه شناختی مخاطب باید در مقام تدریس نیز مورد لحاظ قرار گیرد، که البته این سازه تنها از طریق نظام آموزش رسمی شکل نمی‌گیرد، بلکه عواملی همچون خانواده، مطالعات جانبی دانشجو، فضای فرهنگی و به‌ویژه فضای مجازی عوامل دخیلی (خاستگاه‌های پیش‌سازمان‌دهنده‌ها)^۲ هستند که ای‌بسا در ساخت این سازه شناختی تأثیرگذارتر از آموزش رسمی پیشینی باشند. از این رو باید میزان اثرگذاری هریک از این عوامل مورد مذاقه قرار گیرد و آموزش براساس این عوامل شکل گیرد؛ این اصل برگرفته از آیه شریفه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره/۲۸۶) و روایت نبوی «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نَكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۳) است، که سیره پیامبران را سخن گفتن بر اساس ساخت شناختی مخاطب بیان می‌دارد. ملاصالح مازندرانی با تنقیح مناط از این روایت، این سیره را در احوال معلمان جاری ساخته، می‌گوید: فرد حکیم در مقام تعلیم، این تفاوت فهم مخاطب را لحاظ می‌کند و محتوا را طبق آن بیان می‌دارد (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۳۸۰) از همین رو است که امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند «وقتی برای کلام جایگاه پیدا نمی‌کنی، سخن مگو»^۳ (لثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۲۲)؛ نمود عملیاتی این مطلب را می‌توان در سیره نبوی گزارش شده از امیرالمؤمنین (ع) دید که ایشان مرهمهای درمان را در موضع حاجت قرار می‌دادند^۴ (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۱۵۶). به عبارت دیگر ایشان قابلیت هر فرد را لحاظ و متناسب با احوال او نسخه‌های معنوی را اعمال می‌کردند.

بنابراین محتوای انتخاب شده باید با در نظر گرفتن این باشد که پیش‌سازمان‌دهنده‌های دانشجویانی که این درس را اخذ می‌کنند، انجام پذیرد. یکی از موارد لحاظ کردن دروس معارفی است که دانشجوی پیش‌تر گذرانده است و عموماً دانشجویانی که این درس را اخذ می‌کنند، دروس اندیشه ۱ و ۲ و اخلاق را گذرانده‌اند، بنابراین آمدن سرفصلهای مشابه درمورد این درس روا نخواهد بود.

۱. أَنْ أُبَدِّلَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حِلَالِهِ وَ حَرَامِهِ لَا أَجَاوِزُ ذَلِكَ بِكَ إِلَى غَيْرِهِ

۲. پیش‌سازمان‌دهنده یک مفهوم کلیدی است که پایه یادگیری مطالب بعدی را تشکیل می‌دهد. نقش پیش‌سازمان‌دهنده فراهم آوردن مفاهیم مشمول‌کننده یعنی تدارک مجموعه‌ای از مفاهیم بسیار جامع است که مفاهیم و اطلاعات کمتر جامع تحت شمول آن قرار می‌گیرند (سیف، ۱۳۹۵: ۱۷۱).

۳. لَا تَتَكَلَّمَنَّ إِذَا لَمْ تَجِدْ لِلْكَلامِ مَوْقِعًا

۴. أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ

● اصل علاقه

با نگاهی به آموزه‌های دینی درمی‌یابیم برای اینکه یادگیری مؤثر در دانشجو شکل پذیرد، باید محتوایی که برای او در نظر گرفته می‌شود، مورد علاقه‌اش باشد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید «دلها را میل و روی آوردن و پشت کردن است، از راه میل و روی آوردن دلها به سوی دلها آید، چرا که دل وقتی به کاری مجبور گردد کور شود»^۱ (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ۵۰۳) در کنار این گزاره‌ها که بیشتر ناظر به متن محتوا هستند، برخی آموزه‌ها درباره رعایت مقتضای حال مخاطب وارد شده است، از جمله در روایتی از نبی مکرم اسلام (ص) آمده است «من از بیم خسته شدن شما، در میان موعظه‌هایتان فاصله می‌اندازم»^۲ (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۹۱) با توجه به اینکه سیره خود انوار مقدسه اهل بیت (ع) بر این جاری بوده، بنابراین در محتوای درسی مربوط به کلمات قرآن و اهل بیت (ع)، لازم است اصل، علاقه مخاطب قرار گیرد.

البته این اصل در کنار اصول دیگر باید لحاظ شود و برابند اصول، نگره واحدی در تنظیم محتوا به دست بدهد. چه آنکه ممکن است در برهه‌ای دانشجویان رأی به حذف این واحد درسی از برنامه آموزشی دهند، حال آن‌که اولاً با توجه به آموزه‌های دینی قرار بر تعطیلی نیست، بلکه همان آموزه‌ها باید به شیوه‌ای بیان شوند که مخاطب علاقه دارد و ثانیاً این امر با اصل سودمندی در تنافی خواهد بود که به فرموده قرآن: «ای بسا چیزهایی را خوب بینداریم ولی بر ایمان بد باشد و چیزهایی را بد بینداریم ولی به نفع ما باشد»^۳ (بقره/۲۱۶) و ثالثاً مراد از علاقه، علاقه اصیل مخاطب است نه علائقی که به سبب هیجاناتی در مخاطب پدید آمده باشد. قرآن در آیه ۴۲ سوره فاطر گزارشی از وجود چنین روحیه‌ای در برخی از انسانها می‌دهد که گاه بشر برای هدایت خویش از خداوند طلب پیامبر و بیم‌دهنده‌ای را می‌کند ولی وقتی که پیامبر بیم‌دهنده برای آنان می‌آید، از هدایت دور تر می‌شوند.

● اندیشه - محوری

تفکر به عنوان فرایندی که در آن یادگیری‌های گذشته دستکاری و سازمان‌دهی می‌شوند (سیف، ۱۳۹۵: ۳۵۶)، از اساسی‌ترین آموزه‌های قرآنی و روایی است که آن را می‌توان از درجات بالای شناخت عنوان کرد؛ در جای جای قرآن کریم شاهد تحضیض مخاطبان به تفکر و تدبر در آیات هستیم که:

- گاه با استفهام توبیخی، مخاطب را امر به تدبر در قرآن می‌کند^۴ (نساء/۸۲، محمد/۲۴)؛
- گاه بهره‌مندی از گزاره‌های قرآنی و نشانستن نشانه‌های الهی را منوط به تفکر عنوان می‌کند (یونس/۲۴۵، رعد/۳، نحل/۱۱، نحل/۶۹، روم/۲۱، زمر/۴۲، جاثیه/۱۳، حشر/۲۱)؛

۱. إِنَّ الْقُلُوبَ شَهْوَةٌ وَإِقْبَالًا وَإِبَارًا فَأَتَوْهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَإِقْبَالِهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أَكْرَهَ عَمِيَ

۲. إِنِّي لَا تَخُولُكُمْ بِالْمَوْعِظَةِ تَخُولُوا مَخَافَةَ السَّامَةِ عَلَيْكُمْ

۳. عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ

۴. أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

۵. كَذَلِكَ نَقُصُّ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

● گاه نظر به تفکر در خود آیات قرآن دارد و اساساً یکی از دو حکمت انزال قرآن را تفکر در حقایق روشن آیات آن عنوان می‌کند (نحل/۴۴) (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۳۶۲).

سخنان اهل بیت (ع) نیز مشحون از توجه به تفکر و اندیشه است، همچنان که امام صادق (ع) فهم یک روایت را برتر از نقل هزار روایت عنوان می‌کند^۲ (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲) و امیرالمؤمنین (ع) نیز فلسفه بعثت پیامبران را نه اضافه کردن معلومات، بلکه برانگیختن قوای عقل بشر عنوان می‌کند^۳ (شریفا الرضی، ۱۴۱۴: ۴۳) و نکته جالب در به کار بردن واژه «یشیروا» در این عبارت است که گفته شده به معنای بارور کردن و زیر و رو کردن زمین برای کشاورزی مطلوب است (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۱۳۰) یعنی همچنان که زمین کشاورزی با شخم زدن و زیر و رو کردن، بارورتر می‌شود، گفتمان انبیاء هم به گونه‌ای است که سبب بارور شدن عقول بشر می‌شود.

از این روی باید بستری در کلاس آشنایی با منابع اسلامی فراهم آید که دانشجو به تفکر در آیات الهی بپردازد و کلاس و متن درسی صرفاً در جهت ارائه گزاره‌های قرآنی یا شرح آن نباشد؛ بنابراین لازم است مربی متن دینی درصدد قاعده‌آموزی باشد. در نظرسنجی که از اساتید «آشنایی با منابع اسلامی» صورت پذیرفته به این مطلب تأکید داشته‌اند که «دروس بایستی با رویکرد پژوهشی باشد نه صرفاً آموزشی، یعنی روش برداشت هم تبیین شود و به صرف انتقال اطلاعات اکتفا نشود» (اساتید تفسیر موضوعی قرآن کریم، ۱۴۰۰)، همچنین با نظرسنجی که از دانشجویان درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه در نیمسال اول ۱۴۰۰ دانشگاه تهران انجام پذیرفته، ۸۸ درصد دانشجویان مباحث پیرامون روش فهم را مفیدتر از محتوای مربوط به سرفصلهای مصوب دانسته‌اند (دانشجویان کلاس تفسیر موضوعی نهج البلاغه دانشگاه تهران، ۱۴۰۰). امام خمینی جمود بر اقوال مفسرین را یکی از حجابهای فهم قرآن عنوان کرده، می‌فرماید «یکی دیگر از حجب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است اعتقاد به آن است که جز آن که مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبر در آیات شریفه را به تفسیر به رأی، که ممنوع است، اشتباه نموده‌اند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۱۹۹)

با رعایت این اصل به اصطلاح معروف به‌جای اینکه ماهی دست مخاطب داده شود، ماهی‌گیری آموزش داده شده است و این خود دانشجو است که در پی استخراج مفاهیم از متن دینی خواهد بود، بنابراین در اینجا اصل چابک بودن محتوا نیز زاییده می‌شود چرا که اگر محتواها به سمت قاعده‌آموزی بروند، از انتقال بسیاری از اطلاعات مستغنی خواهند بود. برای این منظور می‌توان مراحل آموزش قواعد را به ترتیب زیر پیاده ساخت (سیف، ۱۳۹۵: ۳۷۵):

۱. أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

۲. حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرْوِيهِ

۳. يُشِيرُوا لَهُمْ دَفَاتِنَ الْقَوْلِ

۱. بیان هدف‌های آموزشی
۲. تعیین پیش‌نیازهای یادگیری اصل و کمک به یادگیرندگان در یادآوری آنها؛
۳. ارائه تعریف و مثالهای مختلف اصل؛
۴. کمک به یادگیرندگان برای قرار دادن مفاهیم به ترتیب درست در پی هم؛
۵. دادن فرصت به یادگیرندگان برای تمرین اصل آموخته شده و تقویت آن؛
۶. ارزشیابی از یادگیری دانش‌آموزان و دادن بازخورد به آنان.

● رفتارسازی

آنچه از متون دینی دریافت می‌شود این است که اصل در آموزش و تربیت به‌ویژه آموزش متن دینی، عمل و رفتار است. چنان که قرآن^۱ (آل عمران/ ۷۹) هدف یادگیری و یاددهی متن دینی را ربانی شدن فرد عنوان می‌کند و «ربانی» به کسی گفته می‌شود که ارتباط قوی با پروردگار داشته باشد و اشتغال بیشتری به عبادت داشته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۲۷۶)؛ درمورد روایات اهل بیت (ع) نیز همین موضع‌گیری مشاهده می‌شود و از مخاطب می‌خواهد که از عمل‌کنندگان به محتوای دینی باشند و به روایت و نقل آن بسنده نکنند^۲ (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ۴۸۵). نه تنها در آموزه‌های دینی شاهد ترغیب به رفتار مطابق متن دینی هستیم، بلکه در برخی از موارد شناخت متن دینی بدون عمل به فحوای آن، مذموم شناخته شده است. همچنین از شناختی که فراتر از زبان نمی‌رود، به پست‌ترین دانش یاد شده و دانش والا را دانشی عنوان می‌کند که خود را در اعضا و جوارح نشان دهد^۳ (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ۴۸۳). در برخی روایات نیز تویخها شدیدتر شده و خشم الهی را متوجه قرآن‌آموزان بی‌عمل می‌کند و آنان را با یهودیان و مسیحیانی که به کتاب خود عمل نکرده‌اند، هم‌درجه عنوان کرده است^۴ (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۸۲). همچنین روایات این مطلب را می‌رسانند که اهداف علم باید خود را در رفتار نشان دهند، همچنان که امیرالمؤمنین (ع) وقتی برای دانشجویان اهداف علم را به مثابه یک کالبد جسمانی ترسیم می‌کند، از میان ۲۴ عضو این کالبد، ۳ مورد اشاره به اهداف عاطفی و ۲ مورد اشاره به اهداف شناختی و بقیه ۱۹ عضو گویای اهداف رفتاری است که دانشجو باید به آن نقطه برسد^۵ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۸).

۱. وَ لَٰكِنْ كُونُوا رَبَّانِيَٓنَ بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَٰبَ وَ بِمَا كُنتُمْ تَدْرُسُونَ.

۲. اَعْلَمُوا الْخَيْرَ اِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةٍ لَا عَقْلَ رِوَايَةٍ فَاِنَّ رِوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيْرٌ وَ رِعَايَتُهُ قَلِيْلٌ.

۳. اَوْضَعَ الْعِلْمُ مَا وَقَفَ عَلَي السَّلَٰنِ وَ اَرْفَعَهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَٰرِحِ وَ الْاَرْكَٰنِ.

۴. مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ فَلَمْ يَمْعَلْ بِهِ وَ اَثَرَ عَلَيْهِ حُبُّ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللّٰهِ تَعَالٰی وَ كَانَ فِي الدَّرَجَةِ مَعَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى الَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ كِتَابَ اللّٰهِ وَرَاةَ طُغُوْرِهِمْ.

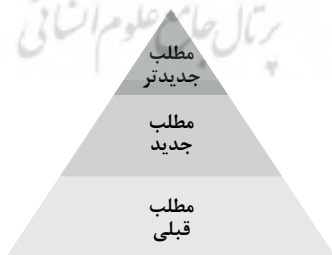
۵. يَا طَالِبَ الْعِلْمِ اِنَّ الْعِلْمَ ذُو فَصَالٍ كَثِيْرَةٍ فَرَأْسُهُ التَّوَّاضُعُ وَ عَيْنُهُ الْبَرَاءَةُ مِنَ الْحَسَدِ وَ اُذُنُهُ الْفَهْمُ وَ لِسَانُهُ الصِّدْقُ وَ حِفْظُهُ الْفَحْصُ وَ قَلْبُهُ حُسْنُ النِّيَّةِ وَ عَقْلُهُ مَعْرِفَةُ الْاَشْيَاءِ وَ الْاُمُوْر وَ يَدُهُ الرَّحْمَةُ وَ رِجْلُهُ زِيَارَةُ الْعُلَمَآءِ وَ هِمَّتُهُ السَّلَامَةُ وَ حِكْمَتُهُ الْوَرَعُ وَ مُسْتَقَرُّهُ النَّجَٰةُ وَ قَائِدُهُ الْعَافِيَةُ وَ مَرْكَبُهُ الْوَفَآءُ وَ سَلَآخُهُ لِيْنِ الْكَلِمَةِ وَ سَيْفُهُ الرِّضَا وَ قَوْسُهُ الْمُلَازَاةُ وَ جِيْشُهُ مُحَآوَرَةُ الْعُلَمَآءِ وَ مَالُهُ الْاَدَبُ وَ دَخِيْرَتُهُ اجْتِنَابُ الذُّنُوْبِ وَ زَادُهُ الْمَعْرُوْفُ وَ مَآوُهُ الْمُوَادَعَةُ وَ دَلِيْلُهُ الْهُدٰى - وَ رَفِيْقُهُ مَحَبَّةُ الْاَخْيَارِ.

البته باید دقت داشت که آنچه مورد تأکید آموزه‌های دینی در مورد رفتار است، کیفیت آن است نه کمیت آن. به عبارت دیگر اگر در کلاس درس به یک مطلب به خوبی پرداخته شود، بسیار بهتر از آن است که به چندین آموزه به صورت ناقص پرداخته شود. همانطور که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «لَيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» فرمود مراد عمل زیاد نیست بلکه آن کسی است که صحیح‌ترین رفتار را دارد و رفتار صحیح همان خداترسی، داشتن گرایش سالم و کار خوب است^۱ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶) و این نکته‌ای است که در تولید محتوای درسی باید مورد تأکید قرار گیرد تا از فربه کردن محتوا پرهیز شود.

◎ اصل توالی و استمرار

به طور کلی توالی، نظم زمانی است که در آن تجربه‌های آموزشی ارائه می‌شوند و استمرار، تداومی را که با آن تجربیات یکسان در یک دوره رفاهی ارائه می‌شود، توصیف می‌کند (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۹۸). براین دو مفهوم را می‌توان با «پیش‌سازمان‌دهنده‌ها» مشخص کرد که علاوه بر اصل قابلیت یادگیری، اصل توالی و استمرار نیز زاینده لحاظ کردن پیش‌سازمان‌دهنده‌ها در آموزش است.

پیش‌سازمان‌دهنده‌ها مفهوم‌هایی انتزاعی و فراگیر هستند که یادگیرنده را برای یادگیری اطلاعات جدید آماده می‌سازند (میلر^۲، ۱۳۷۹: ۱۶۸). تربیت در نظام آموزشی اسلام از سازه شناختی که مخاطب در آن قرار دارد، آغاز می‌شود و به نقطه‌ای ختم می‌شود که هدایت مخاطب در آن شکل می‌گیرد. از این الگوهای سازمان‌یافته اندیشه و عمل که در تعامل بین انسان و محیط به کار می‌روند، با «ساخت شناختی» یاد می‌شود (سیف، ۱۳۹۵: ۸۱) و عواملی همچون مطالعات درسی و غیر درسی، رسانه، محیط اجتماعی و خانواده در ساخت شناختی یک دانشجو تأثیر دارد. اساساً یادگیری زمانی معنا دار خواهد بود که ساخت شناختی یادگیرنده در برنامه درسی مورد لحاظ واقع شده باشد، بنابراین استاد باید قادر باشد میان مواد تازه با ساخت شناختی دانشجو ارتباط برقرار کند.



شکل ۱. هرم ساخت شناختی

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - لَيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا قَالَ لَيْسَ يَعْنِي أَكْثَرُ عَمَلًا وَ لَكِنْ أَصَوْبَكُمْ عَمَلًا وَ إِنَّمَا الْإِصَابَةُ خَشْيَةُ اللَّهِ وَ النَّيَّةُ الصَّادِقَةُ وَ الْحَسَنَةُ ثُمَّ قَالَ الْإِيقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدَّ مِنَ الْعَمَلِ.

این موضوع به اندازه‌ای اهمیت دارد که امیرالمؤمنین (ع)، آسیب آموزش غیرمتناسب با شناخت مخاطب را انکار خدا و پیامبر (ص) عنوان کرده است و می‌فرماید: «آیا دوست دارید که خدا و رسولش تکذیب شوند؟ پس برای مردم آنچه را می‌پذیرند، بازگو کنید و از گفتن آنچه آن را انکار می‌کنند، پرهیز نمایید»^۱ (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۳۴). همچنین پیامبر اکرم (ص)، تمام پیامبران را مأمور به سخن گفتن به میزان عقلهای مردم می‌داند^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۳). با توجه به حیطه‌بندی آموزه‌های قرآنی از سوی بزرگان دین، این موضوع در درس‌آشنایی با منابع اسلامی که مبتنی بر متون دینی است، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. همچنان که امام صادق (ع) لایه‌های فهم قرآن برای افراد مختلف را این‌چنین طبقه‌بندی می‌فرماید^۳ (حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۱۰):

- ✓ عبارات قرآن مجید: افراد عمومی در این محدوده از قرآن مجید استفاده کرده و فقط از قرائت جملات و آیات و از مفاهیم لغوی و تفسیرهای عرفی و ظاهری آنها، بهره‌مند می‌شوند.
- ✓ اشارات: اشارات و مفاهیم التزامی و خصوصیات اضافه بر مفاهیم ظاهری از جملات، مخصوص خواص و افراد مخصوصی است که از نظر علوم رسمی یا روشنائی و نورانیت قلبی ممتاز باشند.
- ✓ لطائف: نکته‌های باریک و دقیق و مطالب لطیف که تنها با نور باطن و بصیرت قلب و با دید روحانی می‌توان تشخیص داد، مخصوص بندگان مخصوص و مقرب و اولیای حق می‌باشد.
- ✓ حقائق: و اما حقائق و مطالب صد در صد محکم و ثابت و معارف یقینی که از قرآن مجید استفاده می‌شود، مخصوص انبیا است.

این طبقه‌بندی در روایت شریف به لحاظ محدوده افکار و اندازه بینایی و دید افراد صورت می‌گیرد. افرادی که محیط بینایی آنان در محدوده طبیعیات و مادیات و تنها جهان طبیعت است به جز الفاظ و مفاهیم طبیعی و محسوس آنها، معانی دیگری نمی‌توانند درک کنند و متوجه شوند. آنان که باریک‌بین و متفکرند از این طبقه، می‌توانند از آن مفاهیم طبیعی به یاری فکر و تعقل و تدبر، اشارات و نتایجی بگیرند و چون محیط بینایی وسیع‌تر شده و از جهان ماورای ماده و از عالم برزخ نیز آگاهی یافته است، خواهند توانست مفاهیم دقیق و معانی لطیف و رقیق‌تر از ماده را درک کنند و از مطالب مربوط به این قسمت که در قرآن مجید است، استفاده کنند. و در صورتی که بینایی به حد کامل برسد و چشم قلب شاهد حقایق اشیا و مدرک معارف الهی شود، معاینه این حقائق مشهود خواهد شد. البته درک و فهم هر مرتبه بالاتر برای طبقه پایین‌تر غیر ممکن است، مانند شخص امی که نمی‌تواند محسوسات و دیدنیها را مشاهده کند و چشمی که ضعیف است نمی‌تواند مسافت بعیدی را تشخیص بدهد، یا گوشی که ضعیف است

۱. أُتُجِبُّونَ أَنْ يَكْذِبَ اللَّهُ وَ رُسُلُهُ حَدَّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ أَمْسَكُوا عَمَّا يُنْكِرُونَ.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْعِبَادَ بِكُنْهٍ عَقْلِهِ قَطُّ وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّمَا مَعَايِرُ الْأَنْبِيَاءِ أُمَرْنَا أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

۳. وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ [عَلَى] أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الْبَيِّنَاتِ، وَ الْإِشَارَةِ وَ اللَّطَائِفِ وَ الْحَقَائِقِ الْعِبَارَةِ لِلْعَوَامِّ، وَ الْإِشَارَةِ لِلْخَوَاصِّ، وَ اللَّطَائِفِ لِلْأُولِيَاءِ، وَ الْحَقَائِقِ لِلْأَنْبِيَاءِ.

ممکن نیست که صداهاى ضعیف یا دور را بشنود (منسوب به امام صادق ع، ۱۴۰۰: ۴۶۰).

با توجه به مطالب گفته شده، در تنظیم محتوای برنامهٔ درسی باید نکات ذیل مد نظر قرار بگیرد:

۱. به کارگیری عناصر مورد علاقهٔ مخاطب: امیرالمؤمنین(ع) در روایتی این چنین می‌فرماید: «دلها را هوایی است و روی آوردنی و پشت کردنی. پس دلها را آنگاه به کار گیرید که خواهان است و روی در کار؛ که اگر دل به ناخواه به کاری وادار شود، کور گردد»^۱ (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۵۰۳)، با توجه به این روایت شریف، بهترین ابزار برای ایجاد انگیزه، استفاده از عناصر مورد علاقه مخاطب است که البته در این فرمایش شریف به نکته ظریفی اشاره می‌شود و آن اینکه حضرت این ابزار را به صورت منفک بیان نمی‌فرماید. به عبارتی این ابزار به گونه‌ای نیست که جدای مباحث درسی وارد یک عامل انگیزشی مثل موسیقی و سخن از مباحث ورزش بشود، بلکه این عوامل، ابزاری برای ورود به درس است، برای همین می‌فرماید «از زاویه خواست آن وارد شوید» نه اینکه بفرماید «خواست دل او را بگویید»؛ بنابراین ابزار انگیزشی باید اولاً از لحاظ شکلی متناسب با کلاس انتخاب شود و ثانیاً پلی برای ورود به درس باشد. امیرالمؤمنین در جایی دیگر به صورت مصداقی ابزار انگیزش را دانشهای تازه و شگفت‌آور بیان می‌فرماید^۲ (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۵۰۴)؛ بهره بردن از فیلمها یا اسلایدهای علمی مربوط به کهکشانها یا بدن انسان و شگفتیهای آن تأثیری بسزا در انگیزش دانشجویان خواهد داشت.

۲. در نظر گرفتن همه مخاطبان: با توجه به آموزه‌های دینی، آموزش باید براساس ساخت شناختی مخاطب صورت پذیرد تا هر فرد متناسب با ساخت شناختی خویش بهره‌مند شود؛ همچنان که امام صادق(ع) به نقل از حضرت عیسی(ع) از آموزش حکمت به کسانی که مراتب شناختی مناسب با آن مطلب شکل نگرفته است، برحذر می‌دارد که اگر تنها افراد با دانش پایین در نظر گرفته شود و به علوم پایین دستی بسنده گردد، حق آن دانش رعایت نخواهد شد و اگر تنها افراد مستعد لحاظ گردند، حقوق عموم دانشجویان تضییع خواهد شد^۳ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۲).

حال با توجه به اینکه محتوای درس ثابت است و دانشجویان مخاطب دارای ساخت شناختی متنوعی‌اند، راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌شود:

✓ حد میانه در محتوا برگزیده شود، یعنی رعایت ساخت شناختی همهٔ دانشجویان از همه طیفها صورت پذیرد؛

✓ محتوا با توجه به ساخت شناختی پایین تنظیم شود، اما با تعریف روش تدریس پلکانی، هر دانشجو متناسب با ساخت شناختی که از منابع اسلامی دارد، از گام متناسب بهره‌مند شود.

۱. إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِقْبَالَ وَ إِذْبَاراً فَأَتَوْهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَ إِقْبَالِهَا فَإِنْ الْقَلْبُ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ.

۲. إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبُ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَاتَّبِعُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ.

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَامَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ع) خَطِيباً فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَالَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَحْدُثُوا الْجَهَالَ بِالْحِكْمَةِ فَتُظْلِمُوهَا وَلَا تَمْتَنُوهَا أَهْلِهَا فَتُظْلِمُوهُمْ.

که اگر راهکار اول را انتخاب کنیم لاجرم دانشجویانی که از ساخت شناختی پایین‌تر از حد وسط برخوردارند، نخواهند توانست همگام با کلاس رشد شناختی داشته باشند، بنابراین راهکار مناسب همان راهکار دوم است. در کلاس درس باید رعایت حال فردی را کرد که در پایین‌ترین درجه از شناخت قرار دارد. این رویکرد از مناطی که اهل بیت (ع) در باب چگونگی اقامه نماز جماعت بیان داشته‌اند، قابل کشف است، چه آنکه در این روایات، علت رعایت حال ضعیف‌ترین فرد، جلوگیری از نفرت‌انگیزی نسبت به دین بیان می‌شود^۱ (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۴۰)؛ اجرایی کردن این امر و تولید محتوای مناسب با این رویکرد، ابتدا بسیار دشوار یا نشدنی به نظر می‌رسد، پیشنهاد پژوهش حاضر این است که یک محتوای چابک متناسب با تمام دانشجویان، تدارک دیده شود و استاد با پردازش جایگاه کلاس و حضاران، متناسب با کلاس و تک‌تک دانشجویان آموزش مقتضی را انجام دهد.

■ نتیجه‌گیری

برای محتوای درسی آشنایی با منابع اسلامی، این آسیب‌ها و کاستی‌ها شناسایی شوند:

- عدم همخوانی عنوان و محتوای موجود؛
- آسیب‌های تفسیر موضوعی و عدم محوریت متن دینی؛
- محدود شدن اهداف درس در اهداف پایین‌دستی حیطه شناختی؛
- محتوای آموزشی تحمیلی؛
- همپوشانی سرفصل‌های این گرایش با دیگر گرایش‌های دروس معارف اسلامی؛
- فقدان سرفصلی برای آشنایی با منابع اسلامی؛
- عدم پیش‌بینی توجه به تلاوت آیات.

این کاستی‌ها با بهره‌مندی از آموزه‌های قرآن و حدیث، ریل‌گذاری برای اهداف و اصول محتوایی مناسب با این درس انجام پذیرفته است که مشخص شده که اهداف برنامه درسی از منظر آموزه‌های دینی درهم تنیده و هم‌افزاست و سه حیطه کنشی، گرایش و بینشی ذیل عنصر «ایمان» معنادار می‌شوند. اصولی که محتوای درس مبتنی بر متن دینی از آموزه‌های دینی به دست می‌آید عبارت‌اند از اصل اعتبار، اصل سودمندی، اصل اهمیت، اصل قابلیت یادگیری، اصل علاقه، اصل اندیشه-محوری، اصل توالی و استمرار و اصل رفتارسازی.

پس از نقد وضع موجود و ریل‌گذاری با تبیین اهداف و اصول مربوط به این درس، حال برنامه عملیاتی پیشنهادی برای محتوای این گرایش با ابتنای بر اصول پیش‌گفته ارائه می‌کنیم که برای این مهم دو رویکرد می‌توان اتخاذ کرد:

- تنها یک محتوا و سرفصل برای درس «آشنایی با منابع اسلامی» در نظر گرفته شود؛

۱. وَ إِذَا قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ لِلنَّاسِ فَلَا تَكُونَنَّ مُتَفَرِّغًا وَلَا مُضْطَبًّا فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ بِهِ الْعِلَّةُ وَلَهُ الْحَاجَةُ وَ قَدْ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص جِئْتُ وَجْهِي إِلَى الْيَمَنِ كَيْفَ أَصْلَى بِهِمْ فَقَالَ صَلِّ بِهِمْ كَصَلَاةِ أَعْضَفِهِمْ وَ كُنْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا

● چند محتوا شبیه وضع موجود در نظر گرفته شود که مجموع این محتواها هدف گرایش کلی را برآورده کند. بی‌تردید برای این منظور لازم است که دروسی جدید تعریف شود. در رویکرد نخست که محتوا بدون در نظر گرفتن دروس ذیل گرایش تدوین می‌شود، محتوای موجود باید آینده‌ای تمام‌نما از عنوان گرایش باشد. سرفصلهایی که برای این منظور پیشنهاد می‌شود، البته پس از اینکه فصل اول طبق سرفصلهای زیر تنظیم شد:

آشنایی اجمالی با متون اسلامی:

● قرآن

● حدیث

✳️ جوامع حدیثی

✳️ نهج‌البلاغه

✳️ صحیفه سجادیه

در فصول بعدی با معیار قرار گرفتن یک متن از قرآن و یک متن از عترت، سرفصلهای زیر طی دو زیرفصل تعیین می‌شوند:

۱. قرآن

● قرائت

● واژگان و ترجمه

● گامهای فهم قرآن (هر گام طی یک جلسه درسی تنظیم شده است که متن انتخابی در هر جلسه از یک سو با توجه به عناوین ذیل انتخاب می‌شود و از سوی دیگر درصدد تشکیل یک کل است که این کل می‌تواند یک موضوع، یا چندین موضوع باشد که یک نقشه را تکمیل کند و یا به صورت گزینشی مثل جزء ۳۰ قرآن باشد)

✳️ قطعه‌بندی منطقی آیه؛

✳️ تشخیص و تعیین مفهوم کانونی؛

✳️ واژه‌شناسی مفردات آیه؛

✳️ کاربردشناسی واژه‌ها به‌ویژه واژه‌های اصلی؛

✳️ اصطلاح‌شناسی، به‌ویژه اصطلاحهای مجازی؛

✳️ ساختارشناسی نحوی و بلاغی آیه یا قطعه منتخب؛

✳️ سیاق‌شناسی متنی و دقت در آیه‌های پیشین و پسین؛

✳️ سیاق‌شناسی مقامی و شناسایی اسباب نزول؛

✳️ گردآوری آیات هم‌مضمون و مرتبط؛

✳️ یافتن و بهره‌گیری از روایات ناظر به آیه؛

✳️ بهره‌گیری از ترجمه‌ها و تفسیرها و دانش بشری؛

◆ سامان‌دهی یافته‌ها و حل اختلاف‌های پیش‌آمده (مسعودی، ۱۳۹۹).

● درنگ

◆ این بخش با تأملات و تفکرات دانشجو و مدیریت استاد در کلاس انجام می‌پذیرد.

● مهارت و رفتار

◆ دانشجویان چند رفتار متناسب با آیه را عنوان می‌کنند و با همیاری استاد یکی از رفتارها انتخاب

می‌شود، آن‌گاه استاد مهارت‌های عملیاتی کردن این رفتار را آموزش می‌دهد.

● انگیزش

◆ دانشجو حس خود را با نشان دادن یکی از پندارنگاره‌ها^۱ نشان می‌دهد (برای سنجش عواطف

می‌توان از پرسشنامه‌های متناسب با عواطف معیار درس آشنایی با منابع اسلامی بهره برد)

۲. عترت

● قرائت

● واژگان و ترجمه

● گام‌های فهم حدیث

◆ پیش‌نیازهای فهم؛

◆ فهم مفردات؛

◆ فهم ترکیبات؛

◆ گردآوری قرینه‌ها؛

◆ یافتن اسباب ورود حدیث؛

◆ تشکیل خانواده حدیث؛

◆ توجه به احادیث معارض؛

◆ بهره‌گیری از دستاوردهای بشری؛

◆ موانع فهم متن؛

◆ موانع فهم مقصود (مسعودی، ۱۳۸۴)

● درنگ

● مهارت و رفتار

● انگیزش

بنابراین برای درس آشنایی با منابع اسلامی باید سرفصل‌هایی را برای محتوای درسی گرایش آشنایی با منابع اسلامی برای ۱۴ جلسه درسی تنظیم کرد که دو جلسه برای آشنایی اجمالی با منابع اسلامی است و ۱۲ جلسه دیگر با محور قرار گرفتن یک متن دینی از قرآن و عترت است که از یک سو نقشه راه فهم متن تکمیل می‌شود و از سوی دیگر با طرح موضوعات مختلف، پازل موضوعی کامل می‌شود.

1. Emoji

- برقی، احمدین محمد. (۱۳۷۱). *المحاسن*، ج ۱. قم: دارالکتب الإسلامية.
- ابن ابی زینب، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۷). *الغیبة*. تهران: صدوق.
- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. تهران: جهان.
- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۳۹۸). *التوحید*. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۴۰۳). *معانی الاخبار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد. (۱۴۰۶). *نواب الاعمال و عقاب الاعمال*. قم: دارالشریف الرضی للنشر.
- ابن شعبه حرانی، حسن. (۱۴۰۴). *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله*. قم: جامعه مدرسین.
- اساتید تفسیر موضوعی قرآن کریم، مصاحبه توسط نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. (۱۴۰۰). *اولویت های تدریس در درس تفسیر موضوعی قرآن کریم*.
- اکبری جدی، صابر. (۱۳۸۹). *بایسته های متن درسی تفسیر موضوعی قرآن کریم. فصلنامه علمی مطالعات تفسیری*، ۱ (۱)، ۲۳۱-۱۹۳.
- Dor: 20.1001.1.22287256.1389.1.1.7.1
- امام رضا (ع). (۱۴۰۶). *صحیفه الامام الرضا علیه السلام*. مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
- ثقفی، ابراهیم. (۱۴۱۰). *الغارات*، ج ۱. قم: دارالکتب الاسلامی.
- حائری یزدی، عبدالکریم. (۱۴۱۸). *دررالفوائد*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- حلوانی، حسین. (۱۴۰۸). *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*. قم: مدرسه الامام المهدی (عج).
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). *آداب الصلوة*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوشی، ابوالفضل، حسن ملکی و ابراهیم کلانتری. (۱۳۹۲). *طراحی و تبیین اهداف مطلوب انقلاب اسلامی (برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشگاهها)*. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۰ (۳۲)، ۱۱۹-۱۴۶.
- Dor: 20.1001.1.20085834.1392.10.32.7.2
- دانشجویان کلاس تفسیر موضوعی نهج البلاغه دانشگاه تهران، مصاحبه توسط ادريس عظیمیا. (۱۴۰۰). *سودمندی مباحث مربوط به درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه*.
- دانشجویان، مصاحبه توسط نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. (۱۴۰۰). *پیشنهادهای برای سرفصلهای «آشنایی با منابع اسلامی»*.
- روحانی، سید سعید. (۱۳۹۱). *عناوین و سرفصلهای جدید دروس معارف اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۵). *روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش*. تهران: دوران.
- شریف الرضی، محمدبن حسین. (۱۴۱۴). *نهج البلاغه*. قم: هجرت.
- شعبانی، حسن. (۱۳۸۲). *مهارت های آموزشی و پرورشی: روش ها و فنون تدریس*. تهران: سمت.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، ج ۱۶. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمدبن الحسن. (۱۴۱۴). *الامالی*. قم: دارالثقافة.
- عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، ج ۲۷. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- علیمحمدی، حجت الله. (۱۳۹۳). *کارنمای آثار انتشار یافته دانشگاه معارف اسلامی*. قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، ج ۱. تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لبثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: دارالحديث.
- مازندرانی، محمدصالح. (۱۳۸۲). *شرح الکافی - الأصول و الروضة*، ج ۱. تهران: المكتبة الإسلامية.

- مسعودی، عبدالهادی. (۱۳۸۴). روش فهم حدیث. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- مسعودی، عبدالهادی. (۱۳۹۹). روش فهم قرآن. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- ملکی، حسن. (۴۸۳۱). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). مشهد: پیام اندیشه.
- ملکی، حسن. (۱۳۹۵). دین و برنامه درسی. تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- منسوب به امام صادق (ع). (۱۴۰۰). مصباح الشریعة. بیروت: اعلمی.
- موسی‌پور، نعمت‌الله. (۱۳۹۲). درباره تدریس دانشگاهی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- میلر، جی. پی. (۱۳۷۹). نظریه‌های برنامه درسی، ترجمه محمود مهرمحمدی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله. (۱۴۰۰). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ج ۲. تهران: مکتبة الاسلامیة.
- یوسفی لویه، وحید. (۱۳۸۶). تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان. فصلنامه تربیت اسلامی، ۳ (۵)، ۱۵۳-۱۸۴.



A Religiously-based Review of the Curriculum for the Course Titled “Introduction to Islamic Sources”

E. Azimaa¹ © H. Maleki, Ph.D.^{2*} © H. Poorrostami, Ph.D.³

Abstract

Based on Islamic teachings derived from the holy book and other revered texts, and a set of principles related to the content of any devised course, the curriculum for the course titled “Introduction to Islamic Sources” was reviewed and its shortcomings identified in order to pave the way for the introduction of desired content. It was discovered that the current curriculum lacks independent topics, and does not give a pivotal role to religious writings, while including forced content and topics covered in other curricula. Additionally, it was found to be lacking in paying attention to correct recitation of verses of Quran. Therefore, it is suggested that the course be re-designed to include the following general topics and specific lessons: Overview of Islamic texts, Quran-derived texts, and texts attributed to the prophet and his next of kin. Following each specific lesson steps are to be taken in order to assure the understanding of the text, and ways of translating it into behavior.

Keywords: Introduction to Islamic sources, theme analyses of Quran & Nahjolbalagheh, curriculum planning

Date Received: Aug. 6, 2022

Date Accepted: April 20, 2023

This paper is derived from the first author's Doctoral Dissertation.

1. Ph.D. in Teaching Islamic Teachings, Farabi College, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Professor, Department of Curriculum Planning, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University. (Corresponding Author).
E-mail: maleki@atu.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Shi'ite Studies, Faculty of Theology, Farabi College, University of Tehran, Tehran, Iran.